



doi: [10.30497/rc.2025.247756.2089](https://doi.org/10.30497/rc.2025.247756.2089)



Received: 2025/02/08

Accepted: 2025/09/02

Effective Drivers of Hijab and Clothing in the Islamic Republic of Iran: A Futures Studies Approach

Seyyed Mohammad Hossein Badiei Khamse Fard
Mohammad Ali Faezi Mohammad Noruzi

Abstract

Hijab and clothing can be considered one of the most significant identity and cultural components of Islamic Iran—an element that, whether voluntarily or involuntarily, has become a fundamental pillar in social structuring, with the authentic Iranian-Islamic identity being intrinsically tied to it. The complexity of this issue, along with its theoretical and executive sensitivities, has rendered it a persistent challenge in the policymaking domain. In the present study, which has been defined with a futures studies–policy making approach using the MICMAC (Impact Matrix Cross-Reference Multiplication Applied to a Classification) method, 60 driving forces were initially identified through in-depth interviews. After necessary assessments, these were reduced to 19. The MICMAC software, which was employed to analyze and evaluate the reciprocal relationships of these drivers, identified variables such as media and social networks, Western values, and the media representation of law enforcement actions against unveiled individuals as key and influential factors that play a fundamental role in shaping the overall system. Additionally, variables such as the enforcement of hijab laws and tolerance between supporters and opponents of hijab were identified as dependent variables. Intermediary variables, such as social monitoring and the practice of enjoining good and forbidding evil, were recognized as bridging factors between influential and dependent variables, playing a crucial role in the system's dynamics. The research findings indicate systemic instability, revealing that a significant number of variables experience a dual-state condition. Based on the study's findings, several policy recommendations can be made, including: Strengthening the management of media and social networks, Planning to reduce the influence of Western values, Revising enforcement mechanisms of hijab laws, Enhancing social monitoring and reinforcing the practice of enjoining good and forbidding evil, Establishing appropriate family and educational models, Utilizing modern technologies to promote the culture of hijab, Reducing social tensions through the promotion of tolerance, Encouraging culturally appropriate clothing models. The findings highlight the need for a multi-dimensional, adaptive policy approach to effectively address the complexities surrounding hijab and its role in shaping Iranian-Islamic identity.

Keywords: Hijab, Futures Studies, MICMAC, Islamic Clothing, Driver.

PhD Candidate in Futures Studies, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

sm.badiey@isu.ac.ir

0000-0001-9313-7476

– PhD Candidate in Muslim Social Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

faezi@isu.ac.ir

0009-0003-2164-2635

Assistant Professor of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

m.noruzi@isu.ac.ir

0000-0003-2698-8865

پیشران‌های مؤثر بر حجاب و پوشش در جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی آینده‌پژوهانه

سیدمحمدحسین بدیعی خسته فرد* محمدعلی فاضلی** محمد نوروزی***

چکیده

حجاب و پوشش را می‌توان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی، ایران اسلامی دانست، مؤلفه‌ای که خواسته و ناخواسته به عنصری پایه‌ای در جامعه‌سازی تبدیل شده و هویت ایرانی - اسلامی اصیل به آن گره خورده است. پیچیدگی موضوع و حساسیت نظری و اجرایی آن سبب شده است که همواره به‌عنوان امری چالشی در فضای سیاست‌گذاری محسوب گردد. در پژوهش حاضر که با رویکردی آینده‌پژوهانه - سیاست‌گذارانه و با استفاده از روش میک‌مک تعریف شده است، پس از اخذ مصاحبه‌های عمیق، ۶۰ پیشران تعریف شده و پس از بررسی‌های لازم به ۱۹ مورد تقلیل یافتند. در نرم‌افزار میک‌مک که به تحلیل و بررسی روابط متقابل این پیشران‌ها پرداخت متغیرهایی مانند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌های غربی و بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها به‌عنوان متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار شناسایی شدند که نقش اساسی در جهت‌دهی کل سیستم ایفا می‌کنند. همچنین، متغیرهایی نظیر اجرای قانون حجاب و رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب به‌عنوان متغیرهای وابسته شناسایی شدند. متغیرهای واسطه‌ای مانند نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر نیز به‌عنوان پل ارتباطی بین متغیرهای تأثیرگذار و وابسته، نقش مهمی در پویایی سیستم ایفا می‌کنند. نتایج تحلیل پژوهش حاکی از ناپایداری وضعیت داشته و نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از متغیرها وضعیتی دوجویی را تجربه می‌کنند. بر اساس یافته‌های پژوهش و به‌عنوان توصیه سیاستی می‌توان به مواردی نظیر تقویت مدیریت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی برای کاهش نفوذ ارزش‌های غربی، بازنگری در شیوه‌های اجرای قانون حجاب، ارتقای نظارت اجتماعی و تقویت امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد الگوهای مناسب در خانواده و آموزش و پرورش، استفاده از فناوری‌های نوین برای ترویج فرهنگ حجاب، کاهش تنش‌های اجتماعی از طریق ترویج رواداری و ترویج الگوهای فرهنگی و پوشش متناسب اشاره کرد.

واژگان کلیدی: حجاب، آینده‌پژوهی، نرم‌افزار میک‌مک، پوشش اسلامی، پیشران.

* دانشجوی دکتری، آینده‌پژوهی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

sm.badiy@isu.ac.ir

0000-0001-9313-7476

** دانشجوی دکتری، دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

faezi@isu.ac.ir

0009-0003-2164-2635

*** استادیار، معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

m.noruzi@isu.ac.ir

0000-0003-2698-8865

مقدمه

حجاب و پوشش به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، نقشی کلیدی در بازنمایی ارزش‌های دینی و اجتماعی ایفا می‌کند. این موضوع از دیرباز مورد توجه سیاست‌گذاران، پژوهشگران و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناوری در دهه‌های اخیر، موضوع حجاب با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبه‌رو شده است. گسترش فناوری‌های نوین، تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، گفتمان‌های مرتبط با حقوق زنان و ارزش‌های جهانی شدن، از جمله عواملی هستند که به پیچیدگی این مسئله افزوده‌اند. در این میان، شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر حجاب و پوشش به منظور تدوین سیاست‌های مؤثر و پایدار، امری ضروری به نظر می‌رسد.

حجاب به عنوان یک الزام دینی و اجتماعی، طی سال‌های اخیر تحت تأثیر تغییرات گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و فناوری قرار گرفته است. تغییر سبک زندگی، گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و افزایش تعاملات جهانی موجب شکل‌گیری گفتمان‌های متنوعی در این زمینه شده است. در همین حال، اجرای سیاست‌های مختلف در زمینه حجاب، همواره با چالش‌های اجرایی و اجتماعی همراه بوده و نتایج مورد انتظار را به‌طور کامل محقق نکرده است. یکی از مشکلات اساسی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با حجاب، عدم درک کامل و جامع از پیشران‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر است. بسیاری از این پیشران‌ها، از جمله رسانه‌ها، ارزش‌های جهانی و نقش خانواده، تأثیرات متقابل و پیچیده‌ای بر یکدیگر دارند که تحلیل آن‌ها نیازمند رویکردهای نظام‌مند و الگوسازی دقیق است. نبود شناخت کافی از این روابط متقابل می‌تواند منجر به تدوین سیاست‌هایی شود که به جای ایجاد ثبات، ناپایداری و چالش‌های بیش‌تری در جامعه به وجود آورد.

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل جامع پیشران‌های مؤثر بر حجاب و پوشش در افق ده‌ساله، تلاش کرده است تا با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و بهره‌گیری از نظرهای خبرگان، به درک عمیق‌تری از این موضوع برسد. در گام نخست، با بررسی دقیق ادبیات موضوع، تحلیل اسناد و مدارک و انجام مصاحبه با خبرگان، بیش از ۶۰

پیشران اولیه شناسایی شد. سپس، در دو مرحله خلاصه‌سازی و تلفیق اطلاعات در توسط نویسندگان، این پیشران‌ها به ۱۹ عامل اصلی تقلیل یافتند. در ادامه، این پیشران‌ها با استفاده از روش تحلیل ساختاری و نرم‌افزار میک‌مک (MicMac) مورد تحلیل قرار گرفتند تا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم هر عامل شناسایی شود. نتایج این تحلیل می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های کاربردی برای مدیریت و هدایت بهتر موضوع حجاب و پوشش در جامعه باشد.

۱. پیشینه پژوهش

حجاب و عفاف به‌عنوان یکی از مسائل مهم فرهنگی، اجتماعی و دینی در جمهوری اسلامی ایران، همواره مورد توجه پژوهشگران، سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی بوده است. در این حوزه، پژوهش‌های متعددی انجام شده که بیش‌تر بر ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و دینی حجاب و همچنین علل مؤثر در بی‌حجابی و بدحجابی زنان متمرکز بوده‌اند؛ برای مثال کلهر (۱۳۹۶)؛ در کتاب «مدیریت حجاب در جمهوری اسلامی ایران» به بازخوانی سیاست‌های مرتبط با حجاب پرداخته و چالش‌ها و راهکارهای مدیریتی در این حوزه را بررسی کرده است.

غلامی (۱۳۹۱)، در کتاب «مسئله حجاب در جمهوری اسلامی» ضمن پرداختن به علل بدحجابی، برخی راهکارهای عملی برای مقابله با این پدیده را معرفی کرده است. زائری (۱۴۰۰)، در کتاب «حجاب بی‌حجاب» به دنبال ریشه‌یابی مسائل مرتبط با حجاب و ارائه راه‌حل‌های ریشه‌ای برای این موضوع بوده است.

همچنین، جعفریان (۱۳۸۳)، در کتاب «داستان حجاب» به بررسی تاریخی حجاب در اسلام و جامعه ایران پرداخته و تحولات این پدیده را در طول تاریخ تحلیل کرده است. باین حال، در زمینه آینده‌پژوهی در حوزه حجاب و عفاف، فعالیت‌های پژوهشی کم‌شمار و پراکنده‌ای صورت گرفته است. پژوهش‌هایی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به این حوزه پرداخته‌اند که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند:

نبی‌لو (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «آینده‌پژوهی مسئله حجاب در ایران با تحلیل روندها و پیشران‌ها»، به بررسی روندهای گذشته و حال حجاب در ایران پرداخت. این

مطالعه با استفاده از روش‌های تحلیلی کیفی، پیشران‌های مؤثر بر حجاب را شناسایی کرده و به تحلیل روندهای آینده حجاب در ایران پرداخت. نتایج نشان داد که عوامل فرهنگی، تاریخی و سیاست‌های دولتی از جمله پیشران‌های اصلی تأثیرگذار بر حجاب در ایران هستند. همچنین، این پژوهش به نقش فضای مجازی و تغییرات اجتماعی در شکل‌گیری نگرش‌ها نسبت به حجاب اشاره کرد.

بدیعی خمسه‌فرد (۱۴۰۲)، در دو اثر خود، یکی در قالب کتاب با عنوان «مسئله حجاب: آینده‌پژوهی فرهنگی» و دیگری در قالب پایان‌نامه با عنوان «اولویت‌بندی پیشران‌های مدیریت ترویج حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی عوامل مؤثر بر حجاب پرداخته است. در کتاب خود، وی با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به بررسی علل و عوامل مؤثر بر حجاب در ایران پرداخت و نشان داد که عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با حجاب نقش دارند. وی همچنین به اهمیت آموزش‌های بنیادین در خانواده و مدرسه برای ترویج فرهنگ حجاب اشاره کرد. در پایان‌نامه خود، بدیعی خمسه‌فرد به شناسایی و اولویت‌بندی پیشران‌های مؤثر بر ترویج حجاب و عفاف پرداخت و با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، هفت پیشران اصلی شامل پیشران‌های جهان‌بینی، ارزشی، فناوری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کنترلی را شناسایی و اولویت‌بندی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که پیشران‌های جهان‌بینی و ارزشی بیش‌ترین تأثیر را بر ترویج حجاب دارند.

در گزارش آینده‌نگاری با عنوان «آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ده‌ساله»، رحمانی (۱۴۰۲)، به ترسیم فرآیندهای محتمل برای آینده حجاب در ایران پرداخت. این گزارش با استفاده از روش فرآینده‌نویسی، چهار فرآینده متفاوت را برای آینده حجاب در ایران ارائه کرد. نتایج نشان داد که فضای سیاسی و میزان رضایت گروه‌های اجتماعی از سیاست‌های حجاب، از جمله عوامل کلیدی در تعیین آینده حجاب در ایران هستند.

می‌توان گفت اگرچه پژوهش‌های متعددی در حوزه حجاب و عفاف انجام گرفته است؛ اما همچنان نیاز به پژوهش‌هایی که با رویکرد آینده‌پژوهی، به تحلیل ساختاری و

نظام‌مند پیشران‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی دقیق بپردازند، احساس می‌شود. پژوهش نبی‌لو (۱۴۰۳)، اگرچه پیشران‌ها را با رویکردی کیفی شناسایی و روندهای آینده را تحلیل کرده است؛ اما به تحلیل عمیق ساختار روابط متقابل و سلسله‌مراتبی تأثیرگذاری این پیشران‌ها که از قابلیت‌های اصلی روش میک‌مک است، نپرداخته و به شناسایی و دسته‌بندی متغیرها به کلیدی، وابسته و واسطه‌ای آن‌گونه‌که در این پژوهش با روش میک‌مک انجام شده، منجر نشده است.

به‌همین ترتیب، بدیعی خمسه فرد (۱۴۰۲)، در دو اثر خود با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به بررسی علل و اولویت‌بندی دسته‌های کلی پیشران‌ها (مانند جهان‌بینی، ارزشی، فناوری و غیره) پرداخته است. این رویکرد، گرچه در شناسایی ریشه‌ها و دسته‌بندی‌های کلان مؤثر است؛ اما از تحلیل ساختاری جزئی‌نگر و مبتنی بر تعاملات میان مجموعه‌ای مشخص از ۱۹ پیشران تفصیلی و تعیین نقش سیستمی دقیق آن‌ها (کلیدی، وابسته، واسطه‌ای) که در پژوهش حاضر با میک‌مک مدنظر است، فاصله دارد. به‌عبارت‌دیگر، پژوهش حاضر بر خلاف دسته‌بندی‌های کلی، به بررسی روابط متقابل پیشران‌های مشخص و تأثیرگذار در سطح عملیاتی‌تری می‌پردازد.

همچنین، گزارش رحمانی (۱۴۰۱)، با تمرکز بر روش فرانامه‌نگاری، به ترسیم آینده‌های محتمل پرداخته است؛ درحالی‌که مزیت پژوهش حاضر در بهره‌گیری از تحلیل ساختاری میک‌مک برای شناسایی دقیق پیشران‌های کلیدی از میان ۱۹ عامل مشخص، درک میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها و درنهایت ارائه توصیه‌های سیاستی مبتنی بر این تحلیل ساختاری در افق ده‌ساله است. این رویکرد، امکان شناسایی دقیق‌تر نقاط اهرمی سیستم و اولویت‌بندی مداخلات سیاستی را بر اساس تعاملات پیشران‌های تفصیلی فراهم می‌آورد، امری که در پژوهش‌های مذکور با این دقت و تمرکز روش‌شناختی بر تحلیل ساختاری مجموعه‌ای از پیشران‌های مشخص کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش میک‌مک، به‌منظور شناسایی و تبیین پیشران‌های مؤثر بر حجاب و پوشش در افق ده‌ساله تعریف شده و کوشیده است نکاتی سیاستی دقیق‌تر و مبتنی بر تحلیل ساختاری این پیشران‌ها در این زمینه ارائه نماید.

جدول (۱): خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده - سال انتشار	موضوع
۱	آینده پژوهی مسئله حجاب در ایران با تحلیل روندها و پیشران‌ها	عظیم‌الله نبی‌لو - ۱۴۰۳	تحلیل روندهای گذشته و حال حجاب در ایران و شناسایی پیشران‌های مؤثر بر آینده حجاب.
۲	مسئله حجاب: آینده پژوهی فرهنگی	سیدمحمدحسین بدیعی خمسه فرد - ۱۴۰۲	بررسی علل و عوامل مؤثر بر حجاب در ایران با تأکید بر عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.
۳	آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ده‌ساله	علیرضا رحمانی - ۱۴۰۱	ترسیم سناریوهای محتمل برای آینده حجاب در ایران با تأکید بر فضای سیاسی و رضایت گروه‌های اجتماعی.
۴	اولویت‌بندی پیشران‌های مدیریت ترویج حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی ایران	سیدمحمدحسین بدیعی خمسه فرد - ۱۳۹۴	شناسایی و اولویت‌بندی پیشران‌های مؤثر بر ترویج حجاب و عفاف با استفاده از روش تحلیل لایه‌های علت‌ها.

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. حجاب در لغت

حجاب در لغت به معنای «پنهان ساختن» یا «در پرده قراردادن» آمده است. ابن درید در توضیح واژه «حجب» بیان می‌کند: «و حَجَّبْتُ الشَّيْءَ أَحْجُبُهُ حَجْبًا، اگر چیزی را بپوشانم و حجاب به معنای ستر است... وقتی خورشید در ابر پنهان می‌شود، عرب می‌گوید: احتجبت الشمس في السحاب» (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص. ۲۶۳)؛ بنابراین، حجاب به پوششی اطلاق می‌شود که چیزی را می‌پوشاند یا از دید پنهان می‌سازد. در معنای دیگر، برخی بر این باورند که مفهوم حجاب به «ایجاد مانع» مرتبط است. فیومی در این خصوص بیان می‌کند: «حجبه حجباً» از مفهوم منع گرفته شده است؛ به پرده، حجاب گفته می‌شود؛ زیرا از دیده شدن جلوگیری می‌کند، و به دربان، حاجب اطلاق می‌شود؛ چراکه از ورود اشخاص ممانعت به عمل می‌آورد. اصل واژه حجاب به معنای

جسمی است که میان دو چیز قرار می‌گیرد؛ اما گاهی نیز به موانع معنوی اطلاق می‌شود» (فیومی، بی تا، ج ۱، ص. ۱۲۱). در نتیجه، حجاب در لغت هم به معنی پوشش، هم به معنای مانع دید و هم به جسمی که میان دو چیز قرار می‌گیرد، به کار رفته است؛ بنابراین، به طور کلی، حجاب به مفاهیمی همچون پوشش، پرده، و مانع اطلاق می‌شود.

۲-۲. حجاب در قرآن کریم

هر چند فارغ از نگاه دینی، پوشش و عفاف امری مورد توجه است ولی با توجه به گره خوردن حجاب با امر دین، مرور این مفهوم در کتاب آسمانی قرآن کریم راهگشا خواهد بود. واژه‌های مختلفی از ریشه «حج» در هشت آیه به معنای پرده، پوشش و مانع آمده است. برخی از این آیات عبارت‌اند از: آیه ۴۶ سوره اعراف: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ»؛ و میانشان حائلی است. آیه ۴۵ سوره اسراء: «حِجَابًا مَسْتُورًا»؛ پرده‌ای نامرئی. آیه ۱۷ سوره مریم: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا»؛ میان خود و آن‌ها حجابی افکند. آیه ۵۳ سوره احزاب: «فَسئَلُوهُنَّ مِنْ وَّرَاءِ حِجَابٍ»؛ از آنان از پشت پرده بخواهید. آیه ۳۳ سوره ص: «حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»؛ تا از دیدگانش پنهان شدند. آیه ۵ سوره فصلت: «وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ»؛ و میان ما و تو مانعی وجود دارد. آیه ۵۱ سوره شوری: «مِنْ وَّرَاءِ حِجَابٍ»؛ از پشت پرده و آیه ۱۵ سوره مطففین: «يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُورُونَ»؛ در آن روز در پرده‌اند.

در گذشته، اصطلاح «حجاب» به معنای پوشش زنان چندان رایج نبوده است. شهید مطهری نیز به این موضوع اشاره دارد و بیان می‌کند که کاربرد این واژه در معنای پوشش زنان، مفهومی نسبتاً جدید محسوب می‌شود. وی توضیح می‌دهد که در متون فقهی کهن، بیش‌تر از واژه «ستر» برای اشاره به پوشش استفاده می‌شده است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص. ۴۳۱). از متن آیات قرآن کریم برمی‌آید که در جوامع عربی پیش از ظهور اسلام، استاندارد مشخصی برای پوشش زنان در محیط‌های اجتماعی وجود نداشته است. به‌همین دلیل، خداوند در آیات قرآن، همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از پیروی از الگوهای ناپسند آن دوران منع کرده است. در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب چنین آمده است: «ای همسران پیامبر! شما مانند سایر زنان نیستید، اگر پرهیزکاری کنید، پس در گفتار خود نرمی نشان ندهید تا کسانی که در

دل‌هایشان بیماری است، به طمع نیفتند، و سخنی شایسته بگویند و در خانه‌های خود بمانند و مانند عصر جاهلیت پیشین، آرایش و زینت‌های خود را آشکار نسازید. این آیات نشان‌دهنده تأکید قرآن بر لزوم رعایت پوشش و رفتار مناسب برای زنان، به‌ویژه همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در جهت حفظ حریم‌های اخلاقی و اجتماعی است. بر اساس تعالیم اسلام، زنان موظف به حفظ پوشش خود در برابر مردان بیگانه و جلوگیری از خلوت میان اجنبی و اجنبه هستند. علاوه‌براین، از زنان خواسته می‌شود که در نحوه برخورد و سخن گفتن نیز مواظب خود باشند (حمزه، ۱۳۸۵، ص. ۱۹). در قرآن مجید نیز دو سوره به مسئله حجاب پرداخته‌اند: نخست به‌صورت مختصر در آیه ۵۹ سوره احزاب و سپس به‌طور مفصل در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور.

آیه ۵۹ سوره احزاب به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور می‌دهد که به زنان و دختران خود و همچنین به زنان مؤمنان بگوید: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند تا شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند» (احزاب / آیه ۵۹). همچنین در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، دستوراتی درباره حفظ حجاب و پوشش زنان آمده است: در قرآن کریم خطاب به مؤمنان آمده است: «چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم‌ان بازدارند و پاکدامنی خود را حفظ کنند، چراکه این کار برای آن‌ها پاکیزه‌تر و بهتر است». همچنین به زنان مؤمن توصیه شده است که چشم‌های خود را از نگاه‌های ناپسند بازدارند، عفت خود را نگه دارند و زینت‌های خود را جز آنچه به‌طور طبیعی آشکار است، نشان ندهند. همچنین باید روسری‌های خود را به گونه‌ای بر سینه‌های خود بیفکنند تا پوشش مناسب رعایت شود (نور / آیات ۳۰-۳۱).

۲-۳. مروری بر مسئله حجاب در بستر تاریخ معاصر

طبق گزارش‌های تاریخی، ایرانیان پیش از اسلام و پس از آن حجاب داشته‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۷). با این حال، از بیش از صدسال پیش و با ورود اندیشه‌های نوین به کشور، تغییراتی در پوشش و حجاب زنان آغاز شد.

رضاخان در ۱۳ اسفند ۱۳۰۲ دست به کودتا زد و در ۹ آبان ۱۳۰۴ به‌عنوان شاه ایران تاج‌گذاری کرد. او که با حمایت انگلستان به قدرت رسید، برخلاف تصویر پیشین

خود به‌عنوان فردی دیندار، در دوران حکومت تلاش کرد تا احکام اسلامی را تضعیف کرده و ایران را بر اساس الگوهای اروپایی نوین‌سازی کند. حامیان فکری و اجتماعی او عمدتاً روشن‌فکران غرب‌گرایی بودند که در دوره مشروطه قوانینی با جهت‌گیری ضددینی تصویب کرده بودند. به‌همین دلیل، رضاخان مجری این سیاست‌ها شد. برخلاف تصور عمومی، رضاخان اقدامات ضدحجاب را با خشونت آغاز نکرد بلکه ابتدا تحت تأثیر توصیه‌های روشن‌فکران، تلاش کرد بسترهای فرهنگی لازم را فراهم کند. از جمله اقدامات او، دادن آزادی به زنان کلیمی، ارمنی و زرتشتی برای انتخاب پوشش در جامعه اسلامی بود (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۸).

رضاشاه از سال ۱۳۰۷ تا ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ که کشف حجاب را رسماً اعلام کرد، از ابزارهای فرهنگی برای زمینه‌سازی این تغییر استفاده نمود. او حتی از زنان بی‌حجاب از کشورهای مختلف مانند اروپا، ژاپن، ترکیه، هند، سوریه و مصر برای شرکت در کنگره‌هایی مانند «اتحاد زنان شرق» دعوت کرد تا قبح بی‌حجابی را در جامعه ایرانی کاهش دهد و فضای لازم برای اعلام قانون کشف حجاب را ایجاد کند (عابدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۵). این اقدامات نشان‌دهنده تلاش برنامه‌ریزی شده رضاشاه برای تغییر فرهنگی جامعه ایران و همسوکردن آن با الگوهای غربی بود. درنهایت، با اعلام رسمی سیاست کشف حجاب توسط رضاخان در سال‌های قبل و بعد از ۱۳۱۴، جامعه ایران به دو دسته تقسیم شد. دسته نخست شامل افرادی بود که فرهنگ غربی را پذیرفته و به‌دلایلی مانند آزادی و برابری حقوقی، تغییر در پوشش را نیز قبول کرده بودند. درمقابل، دسته دوم شامل کسانی بود که فرهنگ غربی را نپذیرفتند و در برابر سیاست‌های تحمیلی حکومت ایستادگی کردند. این تقابل نشان‌دهنده تنش‌های فرهنگی و اجتماعی آن دوره بود (پارسا، ۱۳۸۰، ص. ۹۰).

با روی‌کارآمدن محمدرضاشاه، گروهی از زنانی که از فشارهای ناشی از سیاست‌های پدرش به ستوه آمده بودند، برای نشان دادن اعتراض خود به قانون کشف حجاب، در اماکن عمومی با پوشش چادر حضور یافتند. اگرچه این قانون همچنان پابرجا بود؛ اما مأموران حکومتی در برخورد با این زنان شدت عمل زیادی نشان نمی‌دادند. سرانجام، با ایستادگی گسترده مردم و مخالفت علمای دینی، این قانون کنار

گذاشته شد (رمضانی، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۴). پس از این اتفاق، بسیاری از زنان دیندار بار دیگر حجاب را برگزیدند؛ اما برخلاف دوره پیش از اجرای سیاست کشف حجاب که چادر و روبنده مشکی رایج بود، این بار چادرهای رنگی بیش‌تر مورد استفاده قرار گرفت. در این میان، زنانی که سال‌ها سبک زندگی غربی را تجربه کرده بودند، تمایل چندانی به بازگشت به فرهنگ پیشین نشان ندادند. تفاوت کلیدی میان سیاست کشف حجاب در دوران رضاخان و محمدرضا شاه این بود که در دوره اول، این سیاست با اعمال اجبار اجرا می‌شد؛ اما در دوران محمدرضا شاه، تغییرات فرهنگی بیش‌تر از طریق تبلیغات و روش‌های نرم‌افزارانه دنبال می‌شد (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۳). هرچند اجباری بودن منع حجاب لغو شد؛ اما هنوز زنان با حجاب اجازه حضور در مجامع رسمی را نداشتند. این وضعیت در دوران پهلوی با استفاده از تبلیغات و روش‌های مختلف ادامه یافت و در نهایت، با آغاز انقلاب اسلامی، تغییرات بنیادین در این زمینه در کشور به‌وقوع پیوست (زاهدانی و دشتی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع حجاب با چالش‌ها و تحولات مختلفی همراه بود. در این دوره، دو دیدگاه متفاوت نسبت به حجاب در جامعه شکل گرفت. از یک‌سو، برخی زنان، به‌ویژه آن‌هایی که در ادارات دولتی فعالیت داشتند، در اسفند ۱۳۵۷ دست به تظاهرات علیه حجاب زدند. از سوی دیگر، اقشار انقلابی که برای حفظ ارزش‌های دینی و معنوی قیام کرده بودند، این وضعیت را نپذیرفتند. در این شرایط، امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در پانزدهم اسفند ۱۳۵۷ در سخنرانی خود تأکید کردند: «وزارتخانه اسلامی نباید محل معصیت باشد. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زنان بی‌حجاب حضور یابند؛ زنان می‌توانند کار کنند؛ اما باید با حجاب شرعی باشند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص. ۳۲۹). اعتراضات به حجاب ادامه یافت تا اینکه در دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸، مردم در همه‌پرسی به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. پس از این رویداد، رعایت حجاب به تدریج در جامعه گسترش یافت، به‌گونه‌ای که حتی در فروشگاه‌ها، خواربارفروشی‌ها و مغازه‌ها، مردم از ارائه خدمات به زنان بی‌حجاب خودداری می‌کردند (رمضانی، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۳).

در دوران دفاع مقدس، اگرچه تلاش‌هایی برای تضعیف حجاب صورت گرفت؛ اما

به دلیل همبستگی بالای جامعه که جنگ عامل اصلی آن بود، واکنش‌های شدید مردم در برابر این تلاش‌ها مانع از بروز بدحجابی گسترده شد. در این دوره، رفتار جامعه با زنان بی‌حجاب به گونه‌ای بود که این زنان احساس انزوا کرده و مجبور به رعایت حجاب می‌شدند (رمضانی، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۵). این شرایط نشان‌دهنده تعامل پیچیده بین سیاست‌های حکومتی، ارزش‌های دینی و رفتار اجتماعی در آن مقطع تاریخی بود. پس از پایان جنگ تحمیلی و به دنبال رویکرد بازسازی خرابی‌های جنگ و نوسازی با مدل اقتصاد آزاد، تغییراتی در نظام ارزشی جامعه ایجاد شد. مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی رواج یافت و این روند در حوزه پوشش و حجاب نیز تأثیرگذار بود. این تغییرات منجر به زوال ارزش‌های حاکم در دوران دفاع مقدس و تحولات جدی در کم‌وکیف رعایت حجاب گردید. در دوران دولت اصلاحات نیز شعارهایی همچون آزادی و جامعه مدنی با معانی متفاوت و حتی متضاد، به‌عنوان پیشران‌های مؤثر در روند گسترش بدحجابی در شهرهای بزرگ و سپس در شهرهای کوچک عمل کرد. در دولت بعدی، تغییرات خاصی در روند حجاب مشاهده نشد، خصوصاً اینکه رئیس این دولت اعتقادی به طرح‌های مرتبط با حجاب و عفاف نداشت (غلامی، ۱۳۹۱، صص. ۶۲-۶۳).

۳. روش‌شناسی پژوهش

تحول و تغییر، به‌عنوان یکی از پدیده‌های طبیعی جوامع معاصر، روندی مستمر و طولانی‌مدت است که از گذشته شروع شده و تا آینده ادامه خواهد داشت. این دگرگونی‌ها در تمام عرصه‌ها، اهمیت آینده‌پژوهی را در جوامع امروزی دوچندان می‌سازد. آینده‌پژوهی به‌معنای مطالعه نظام‌مند، کشف، طراحی، ارزیابی و آزمون آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب است و به افراد و سازمان‌ها در انتخاب بهترین مسیرهای آینده کمک می‌کند. به‌طورکلی، سه رویکرد عمده در مطالعات آینده‌پژوهی وجود دارد. وندل بل آینده‌پژوهی را به‌عنوان فرایند مطالعه نظام‌مند و کشف آینده‌ها به‌صورت ممکن، محتمل و مطلوب تعریف می‌کند و براین اساس، آینده‌پژوهی به افراد و سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که بین انتخاب‌های مختلف آینده تصمیم‌گیری کنند و

بهترین فرآیندها را پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کنند (Bell, 2003, p. 73).

سهیل عنایت‌الله نیز آینده‌پژوهی را مطالعه آینده‌ها به صورت نظام‌مند می‌داند و تأکید دارد که این علم از تأثیرات نیروهای خارجی بر آینده، به سمت ساختارهای اجتماعی و تاریخی و در نهایت به سوی تصویرهای آینده حرکت می‌کند (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۷). به علاوه، او معتقد است که آینده‌پژوهی هدفش آشکارسازی آینده‌های مختلف از طریق حرکت از آینده‌های محتمل به سوی آینده‌های بدیل است. در تعریف دیگری، آینده‌پژوهی به عنوان دانش و معرفتی توصیف شده است که چشم انسان‌ها را به سوی رویدادها، فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی در آینده می‌گشاید و آنها را قادر می‌سازد تا انتخاب‌های هوشمندانه‌تری داشته باشند. به بیان دیگر، آینده‌پژوهی یک فرایند فعال، آگاهانه و پیش‌دستانه است که به افراد کمک می‌کند تا آینده‌ای مطلوب بسازند و بدانند چگونه می‌توانند به این اهداف دست یابند (ملکی‌فر، ۱۳۸۵، ص. ۲۳).

آینده‌ها را می‌توان در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

آینده‌های محتمل: آینده‌هایی که احتمال وقوع آنها بیش‌تر است و معمولاً ادامه وضعیت موجود را نشان می‌دهند.

آینده‌های ممکن: تمام آینده‌هایی که ممکن است تحقق یابند، حتی اگر خارج از قواعد علمی و منطقی فعلی باشند.

آینده‌های مرجح: آینده‌هایی که برای یک فرد یا گروه خاص مطلوب و مطلوب‌تر از سایر گزینه‌ها به نظر می‌رسند؛ اما این آینده‌ها برای دیگران ممکن است نامطلوب باشد (Voros, 2003, p. 16).

با توجه به تمرکز پژوهش حاضر بر پیشران‌ها، ارائه تعریفی از آن ضروری است، پیشران‌ها به عنوان نیروهای بنیادین و اصلی که موجب تغییر و جابه‌جایی در روندها و الگوهای موجود می‌شوند، تعریف شده‌اند. این نیروها تغییرات قابل مشاهده‌ای در محیط و جهان ایجاد می‌کنند که درک روابط میان آنها می‌تواند بینش و بصیرت عمیقی در زمینه مسائل مختلف فراهم کند. پیشران‌ها به طور خاص تعیین‌کننده الگوهای رویدادها و نتایج آنها در مقاطع زمانی و محیط‌های مختلف هستند (پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۲، ص. ۴۹).

۳-۱. تحلیل ساختاری با رویکرد میک‌مک

در این پژوهش، از رویکرد تحلیل ساختاری میک‌مک (MICMAC) به‌عنوان ابزاری کارآمد برای بررسی و تحلیل ارتباطات متقابل میان عوامل اثرگذار استفاده شده است. روش میک‌مک به پژوهشگران امکان می‌دهد با بهره‌گیری از یک ماتریس ساختاری، روابط بین اجزای یک سیستم را شناسایی و تجزیه و تحلیل کنند. این روش که توسط میشل گودت طراحی و توسعه یافته است، نقش مهمی در تحلیل پیچیدگی سیستم‌ها و پیش‌بینی فرآیندهای مختلف ایفا می‌کند (Durance & Godet, 2010, p. 1489).

۳-۲. فرایند اجرای روش میک‌مک

۱- شناسایی متغیرها یا پیشران‌های کلیدی: در گام نخست، عوامل اصلی مؤثر بر سیستم شناسایی شده و به‌عنوان ورودی تحلیل انتخاب می‌شوند. این عوامل معمولاً روندهایی هستند که جهت‌گیری خاصی در سیستم دارند (Godet, 1986, p. 140).

۲- ایجاد ماتریس اولیه: برای تجزیه و تحلیل، یک ماتریس مربعی به ابعاد $n \times n$ طراحی می‌شود که n تعداد متغیرهای شناسایی شده است. در این ماتریس، متغیرها در سطرها و ستون‌ها قرار می‌گیرند.

۳- ارزیابی تأثیر متقابل متغیرها: کارشناسان در جلسات تخصصی، میزان تأثیرگذاری هر متغیر بر سایر متغیرها را مشخص می‌کنند. این ارزیابی بر اساس یک مقیاس عددی انجام می‌شود که به‌صورت زیر تعریف شده است: صفر: بدون تأثیر، ۱: تأثیر ضعیف، ۲: تأثیر متوسط، ۳: تأثیر قوی و P: تأثیر بالقوه.

۴- تجزیه و تحلیل ماتریس تأثیرات: در این مرحله، جمع مقادیر هر ردیف میزان قدرت پیش‌برندگی هر متغیر (تأثیرگذاری بر سایر متغیرها) را نشان می‌دهد، درحالی‌که جمع مقادیر هر ستون نمایانگر میزان وابستگی متغیرها به سایر عوامل است.

۵- ترسیم نقشه وابستگی - پیشرانی: با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده، متغیرها بر اساس وابستگی و پیش‌برندگی خود در یک نمودار دوبعدی (نقشه وابستگی - پیشرانی) نمایش داده می‌شوند. این نقشه نشان می‌دهد که کدام متغیرها نقش محرک یا بازدارنده اصلی را در سیستم ایفا می‌کنند (Arcade & et al., 2003, p. 7).

۳-۳. مؤلفه‌های کلیدی در تحلیل

برای اجرای تحلیل، از دو ماتریس اساسی استفاده می‌شود:

ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI): که روابط مستقیم میان متغیرها را مشخص می‌کند.

ماتریس تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (MPDI): که تأثیرات غیرمستقیم متغیرها را نیز دربرمی‌گیرد.

۳-۴. مراحل اجرای پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به اهداف موردنظر، مراحل زیر به صورت نظام‌مند دنبال شده است:

۳-۴-۱. شناسایی عوامل و پیشران‌ها

در گام نخست، به منظور شناسایی عوامل و پیشران‌های مؤثر بر حجاب و پوشش در جمهوری اسلامی ایران، از روش‌های کیفی استفاده شد. این مرحله شامل مرور پیشینه پژوهش‌ها، بررسی اسناد و مطالعات مرتبط، و مصاحبه با خبرگان و متخصصان حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاست‌گذاری بود. هدف از این مرحله، شناسایی متغیرهایی بود که بیش‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری و تغییر رفتارهای مرتبط با حجاب و پوشش دارند.

۳-۴-۲. جمع‌آوری داده‌ها

پس از شناسایی عوامل اولیه، داده‌های مرتبط با تأثیر متقابل این عوامل از طریق برگزاری جلسات دلفی با حضور خبرگان جمع‌آوری شد. در این جلسات، متخصصان میزان تأثیر هر عامل بر سایر عوامل را بر اساس مقیاس عددی (۰: بدون تأثیر، ۱: تأثیر ضعیف، ۲: تأثیر متوسط، ۳: تأثیر قوی) تعیین کردند. این داده‌ها برای تشکیل ماتریس تأثیرات متقابل به کار رفت.

۳-۴-۳. تحلیل روابط متقابل

داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار میک‌مک وارد شده و تحلیل ماتریس تأثیرات متقابل انجام گرفت. در این تحلیل:

متغیرهای شناسایی شده براساس میزان پیشرانی و وابستگی طبقه‌بندی شدند. متغیرهایی که بیش‌ترین تأثیر را بر سایر عوامل داشتند (پیشران‌ها) و متغیرهایی که بیش‌ترین وابستگی را به سایر عوامل داشتند، مشخص شدند. نقشه وابستگی - پیشرانی برای درک بهتر جایگاه هر متغیر در سیستم ترسیم شد.

۳-۴-۴. اعتبارسنجی نتایج

در مرحله نهایی، نتایج تحلیل با خبرگان و متخصصان به اشتراک گذاشته شد تا صحت و دقت آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. این مرحله به بهبود تحلیل‌ها و اطمینان از قابل اعتماد بودن نتایج کمک کرد؛ البته این مراحل به صورت پیوسته و با همکاری خبرگان، استفاده از منابع معتبر و بهره‌گیری از نرم‌افزار میک‌مک اجرا شده است. چنین رویکردی، علاوه بر تضمین دقت و جامعیت تحلیل، امکان شناسایی عوامل کلیدی و اثرگذار در حوزه حجاب و پوشش را فراهم کرده است.

۴. یافته‌های پژوهش

برای شناسایی متغیرها و پیشران‌های مؤثر بر حجاب و پوشش در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگران از روش‌های ترکیبی استفاده کردند. این روش‌ها شامل مطالعه کتب، اسناد، مدارک، مقالات، پیشینه‌های مرتبط و همچنین انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان حوزه مربوطه بود. هدف از این مرحله، شناسایی جامع و دقیق کلیه عواملی بود که می‌توانند بر این موضوع اثرگذار باشند. در مرحله نخست، بیش از ۶۰ پیشران شناسایی شد. پس از بررسی اولیه و حذف موارد مشابه و تکراری، این تعداد به ۴۰ متغیر کاهش یافت. در مرحله دوم، این ۴۰ متغیر برای اعتبارسنجی و اصلاح به رأی و نظر خبرگان متخصص ارائه شد. با توجه به تلفیق دیدگاه‌ها و بازنگری‌ها، در نهایت ۱۹ پیشران اصلی شناسایی و تأیید شد که در جدول زیر آمده است:

جدول (۲): پیشران‌ها

ردیف	پیشران‌ها	نام اختصاری
۱	رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب	D1
۲	اختلاف و ناهماهنگی در مواجهه با الزام حجاب در سطح حاکمیت	D2
۳	فعالیت‌های تبلیغی و بسترسازی ناظر به حجاب	D3
۴	نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر در حوزه حجاب	D4
۵	مرجعیت خانواده و مرد	D5
۶	فناوری‌های نوین و تحولات آینده آن	D6
۷	تولیدات رسانه‌ای علیه حجاب، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها	D7
۸	حوزه و مرجعیت دینی	D8
۹	اجرای قانون جدید حجاب	D9
۱۰	بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها و هنجارشکنان	D10
۱۱	فضای باز سیاسی	D11
۱۲	وضعیت آموزش و پرورش، آموزش عالی	D12
۱۳	بی‌حجابی به مثابه اعتراض مدنی	D13
۱۴	سیاسی بودن حجاب	D14
۱۵	(جهانی شدن) ارزش‌های غربی: گفتمان حقوق زنان و فمینیسم، گفتمان آزادی، انتخاب حق پوشش، فردی بودن حجاب، گفتمان زیبایی‌شناختی و بدن‌مندی در جامعه	D15
۱۶	سبک زندگی غیرغنیفانه و دسترسی به پوشاک نامناسب	D16
۱۷	سرمایه اجتماعی نظام	D17
۱۸	استفاده ابزاری از مسئله حجاب جهت دستیابی به اهداف سیاسی	D18
۱۹	فیلترینگ و سیاست‌های کنترلی	D19

برای ارزیابی و تحلیل روابط متقابل میان پیشران‌های شناسایی شده، کلیه ۱۹ پیشران استخراجی در قالب یک ماتریس تأثیرات متقابل^۱ درج شدند. در این ماتریس، تأثیر هریک از متغیرهای موجود در ستون عمودی بر متغیرهای موجود در ستون افقی،

1. Cross-Impact Matrix

توسط جامعه آماری متشکل از خبرگان حوزه پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت. این ارزیابی با استفاده از مقیاس عددی ۰ تا ۳ صورت پذیرفت، به طوری که: عدد ۰ نشان‌دهنده عدم تأثیر، عدد ۱ نشان‌دهنده تأثیر ضعیف، عدد ۲ نشان‌دهنده تأثیر متوسط و عدد ۳ نشان‌دهنده تأثیر قوی است. این فرایند کمک کرد تا روابط متقابل میان متغیرها شفاف‌سازی شده و متغیرهای کلیدی (پیشروان‌ها) با بیش‌ترین میزان اثرگذاری یا وابستگی شناسایی شوند.

جدول (۳): ماتریس تأثیرات متقابل

d19	d18	d17	d16	d15	d14	d13	d12	d11	d10	d9	d8	d7	d6	d5	d4	d3	d2	d1	
0	2	1	2	0	3	1	2	3	1	3	2	2	0	1	3	2	2	*	d1
2	2	2	1	0	1	1	1	3	0	3	2	3	0	0	1	1	*	3	d2
1	1	2	3	3	3	3	3	0	1	2	1	3	0	2	2	*	0	2	d3
1	3	2	2	1	2	1	3	2	2	3	2	2	0	1	*	2	3	3	d4
0	0	0	2	3	0	2	2	1	0	0	0	1	0	*	2	0	0	1	d5
3	0	1	1	2	0	0	3	2	0	1	3	3	*	3	1	1	0	1	d6
2	1	2	3	3	2	2	3	2	3	3	3	*	1	2	3	3	1	3	d7
2	1	2	1	1	1	0	1	2	0	2	*	1	0	3	3	2	2	2	d8
3	2	3	1	1	3	3	1	1	2	*	1	2	0	1	2	1	3	3	d9
1	3	3	1	2	3	3	2	2	*	3	2	3	0	1	3	1	3	3	d10
3	1	3	1	2	1	1	3	*	0	3	2	3	0	1	1	1	2	3	d11
1	1	2	3	3	2	2	*	2	1	2	2	1	2	2	1	1	0	2	d12
3	3	3	1	2	3	*	2	2	0	3	1	3	0	1	1	1	2	3	d13
1	3	3	1	1	*	3	2	1	2	3	1	3	0	1	1	1	2	3	d14
3	1	1	3	*	2	2	3	3	1	3	3	3	2	2	3	2	1	3	d15
1	1	1	*	1	1	0	1	0	1	2	3	3	0	2	2	2	1	2	d16
1	3	*	0	0	1	2	1	2	1	3	2	2	0	0	2	1	2	3	d17
2	*	2	0	0	3	1	1	1	2	3	1	2	0	0	1	2	2	3	d18
*	1	3	1	1	1	1	1	2	1	3	1	2	1	1	1	1	1	1	d19

در این پژوهش، ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) برای ارزیابی تعاملات بین متغیرها مورد استفاده قرار گرفت. این ماتریس شامل مقادیر ۰ (بدون تأثیر)، ۱ (تأثیر ضعیف)، ۲ (تأثیر متوسط)، و ۳ (تأثیر قوی) است. نتایج نشان داد که نرخ پرشدگی ماتریس برابر با 81.44% بوده که نشان‌دهنده تعاملات گسترده و معنادار بین متغیرها است. این میزان تعاملات حاکی از پیچیدگی و تأثیرگذاری متقابل متغیرهای شناسایی شده در سیستم مورد بررسی است. جزئیات کامل توزیع مقادیر ماتریس در جدول ارائه شده است.

جدول (۴): توزیع مقادیر ماتریس

مقادیر	مشخصات
19	ابعاد ماتریس
4	تعداد تکرار
67	تعداد صفرها
109	تعداد یک‌ها
94	تعداد دوها
91	تعداد سه‌ها
294	جمع
81.44%	درجه پرشدگی

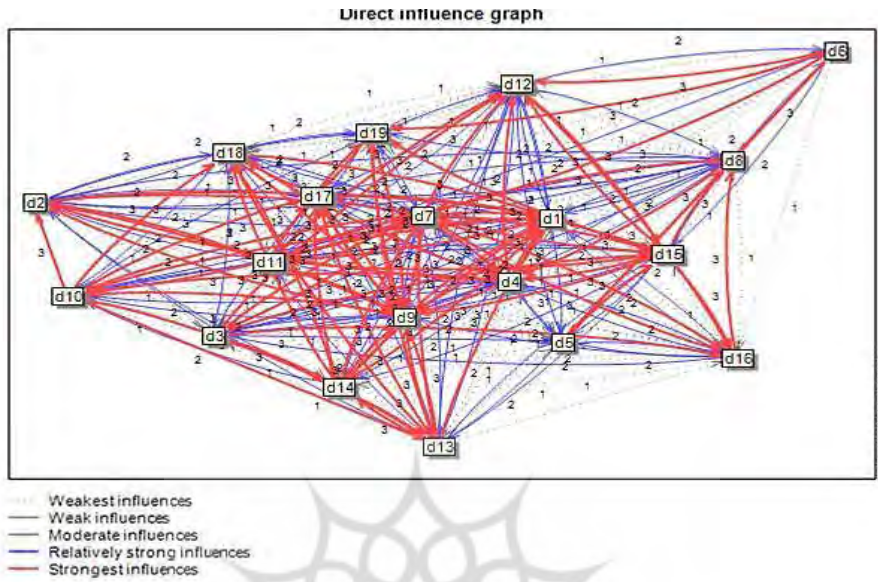
پایداری ماتریس تأثیرات متقابل (MDI) طی چهار تکرار محاسبه و بررسی شد. نتایج نشان دادند که میزان تأثیرگذاری و وابستگی متغیرها به تدریج تثبیت شده است. در تکرار اول، تأثیرگذاری ۹۱ درصد و وابستگی ۱۰۱ درصد بود که بیانگر عدم تثبیت کامل ماتریس است. در تکرار دوم، این مقادیر به ترتیب به ۹۹ درصد و ۱۰۲ درصد رسید که نشان دهنده پیشرفت در روند پایداری است. در تکرار سوم، تأثیرگذاری به ۱۰۰ درصد و وابستگی به ۹۹ درصد نزدیک شد و در نهایت در تکرار چهارم هر دو مقدار به ۱۰۰ درصد رسیدند. این نتایج حاکی از آن است که ماتریس در چهارمین تکرار به پایداری کامل دست یافته و تحلیل‌های مبتنی بر آن قابل اعتماد است.

جدول (۵): پایداری ماتریس تأثیرات متقابل (MDI)

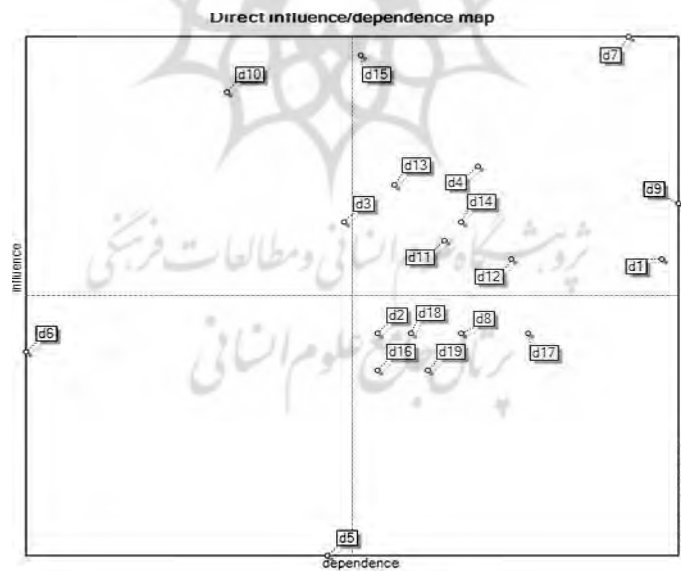
N°	Variable	Total number of rows	Total number of columns
1	d1	30	44
2	d2	26	27
3	d3	32	25
4	d4	35	33
5	d5	14	24
6	d6	25	6
7	d7	42	42
8	d8	26	32
9	d9	33	45
10	d10	39	18
11	d11	31	31

N°	Variable	Total number of rows	Total number of columns
12	d12	30	35
13	d13	34	28
14	d14	32	32
15	d15	41	26
16	d16	24	27
17	d17	26	36
18	d18	26	29
19	d19	24	30
	Totals	570	570

جدول جمع ردیف‌ها و ستون‌ها در ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری و وابستگی مستقیم هر یک از متغیرهای سیستم است. جمع ردیف‌ها بیانگر تأثیرگذاری هر متغیر بر سایر متغیرها بوده و متغیرهایی با مقادیر بالاتر در این بخش، تأثیرگذارترین متغیرها (Drivers) هستند. از سوی دیگر، جمع ستون‌ها نشان‌دهنده وابستگی مستقیم هر متغیر به سایر متغیرها است و مقادیر بالاتر در این بخش متغیرهای وابسته‌تر را مشخص می‌کند. متغیرهایی که هم جمع ردیف و هم جمع ستون بالایی دارند، از اهمیت کلیدی برخوردارند؛ زیرا هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر هستند. این اطلاعات نقش مهمی در شناسایی متغیرهای کلیدی سیستم و تحلیل ساختاری دارند. جزئیات مربوط به این مقادیر در جدول فوق قابل مشاهده است.



نمودار (۱): گراف تأثیرات مستقیم

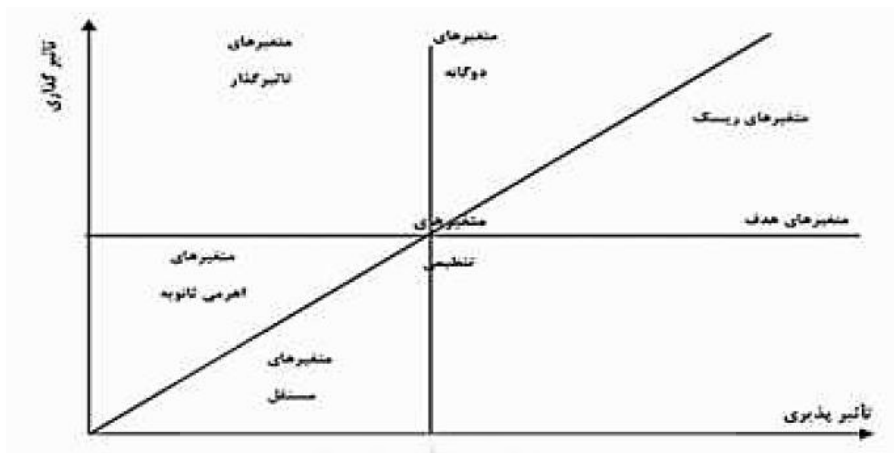


نمودار (۲): نقشه تأثیرات مستقیم

در روش‌شناسی تحلیل میک‌مک، سیستم‌ها به دو دسته پایدار و ناپایدار تقسیم می‌شوند که این تمایز بر اساس پراکنش متغیرها در نمودار تأثیرگذاری - تأثیرپذیری صورت می‌گیرد. در سیستم‌های پایدار، پراکنش متغیرها منظم است و متغیرها به سه دسته قابل تفکیک تقسیم می‌شوند: متغیرهای بسیار تأثیرگذار (عوامل کلیدی) که در ناحیه بالای سمت چپ نمودار قرار دارند، متغیرهای مستقل که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی دارند و در ناحیه پایین سمت چپ نمودار دیده می‌شوند، و متغیرهای خروجی (وابسته) که در ناحیه پایین سمت راست قرار می‌گیرند و عمدتاً تحت تأثیر عوامل کلیدی هستند. این ساختار شفاف و منظم امکان شناسایی نقش و جایگاه هر عامل را فراهم می‌کند و مدیریت سیستم را تسهیل می‌نماید.

در مقابل، سیستم‌های ناپایدار با پراکنش نامنظم متغیرها در نمودار مشخص می‌شوند. در این سیستم‌ها، متغیرها عمدتاً حول محور قطری نمودار پراکنده هستند و بسیاری از آن‌ها در حالت‌های بینابینی (دووجهی) قرار دارند، به این معنا که هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیرند. این وضعیت شناسایی عوامل کلیدی را دشوار می‌سازد و پیچیدگی سیستم را افزایش می‌دهد. وجود تعداد زیادی متغیر دووجهی در سیستم‌های ناپایدار باعث حساسیت بالای آن‌ها می‌شود؛ زیرا هر تغییری در این متغیرها می‌تواند تأثیرات زنجیره‌ای گسترده‌ای بر کل سیستم ایجاد کند.

در تحلیل پیشران‌های مرتبط با موضوع حجاب و پوشش، پراکنش متغیرها نشان‌دهنده ویژگی‌های یک سیستم ناپایدار است. متغیرهایی نظیر رسانه‌ها (D7) و ارزش‌های غربی (D15) در ناحیه دووجهی قرار دارند و هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر هستند که این امر پیچیدگی و حساسیت سیستم را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، وجود متغیرهای وابسته نظیر سبک زندگی غیرعقیدانه (D16) نشان‌دهنده آن است که این متغیرها به شدت به عوامل تأثیرگذار وابسته‌اند. برای مدیریت چنین سیستمی، باید تمرکز ویژه‌ای بر متغیرهای دووجهی داشت و روابط آن‌ها با دیگر عوامل به دقت تحلیل شود تا پایداری نسبی در سیستم ایجاد گردد.



نمودار (۳): متغیرهای کلیدی تأثیر گذار و تأثیر پذیر

در تحلیل میک‌مک، متغیرها بر اساس تأثیر گذاری و تأثیر پذیری به پنج دسته اصلی تقسیم می‌شوند: **متغیرهای تأثیر گذار**، **متغیرهای ریسک**، **متغیرهای تنظیمی**، **متغیرهای وابسته**، و **متغیرهای مستقل**. هر یک از این دسته‌ها در نمودار تأثیر گذاری - تأثیر پذیری جایگاه خاصی دارند و نقش مشخصی در پایداری یا ناپایداری سیستم ایفا می‌کنند. در سیستم‌های پایدار، متغیرها به صورت منظم در نواحی مختلف نمودار توزیع شده‌اند و شناسایی عوامل کلیدی، مستقل و وابسته به راحتی امکان پذیر است؛ اما در سیستم‌های ناپایدار، پراکندگی متغیرها اغلب حول محور قطری نمودار است که این امر شناسایی عوامل کلیدی را پیچیده‌تر می‌کند و سیستم را حساس‌تر می‌سازد.

متغیرهای تأثیر گذار که در ناحیه بالای سمت چپ نمودار قرار دارند، عوامل کلیدی و راهبردی سیستم هستند. این متغیرها تأثیر گذاری بالایی بر سایر اجزای سیستم دارند؛ اما خود تحت تأثیر دیگر عوامل قرار نمی‌گیرند. در سیستم‌های ناپایدار، تعداد این متغیرها معمولاً کم‌تر است؛ زیرا پایداری سیستم به ندرت اجازه می‌دهد که عوامل تأثیر گذار قوی به تنهایی عمل کنند.

متغیرهای ریسک در ناحیه بالای سمت راست نمودار قرار دارند و به دلیل تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بالای خود، نقشی حساس و کلیدی در سیستم ایفا می‌کنند.

این متغیرها می‌توانند به سرعت بر سایر اجزای سیستم تأثیر گذاشته و یا از آن‌ها تأثیر بپذیرند. مدیریت این متغیرها در سیستم‌های ناپایدار بسیار مهم است؛ زیرا تغییرات در آن‌ها می‌تواند اثرهای زنجیره‌ای ایجاد کرده و پایداری سیستم را به شدت تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌عنوان مثال در مسئله ما پیشران D7 (تولیدات رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها) در این ناحیه قرار گرفته است.

متغیرهای تنظیمی که در مرکز نمودار قرار دارند، نقش واسطه‌ای بین متغیرهای تأثیرگذار و وابسته ایفا می‌کنند. این متغیرها هم تأثیرگذار هستند و هم تأثیرپذیر و در سیستم‌های ناپایدار به دلیل تعاملات پیچیده، اهمیت ویژه‌ای دارند. متغیرهای تنظیمی به‌عنوان پل ارتباطی در سیستم عمل کرده و تغییر در آن‌ها می‌تواند جهت کلی سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. می‌توان به‌عنوان مثال پیشران‌های D2 (اختلاف و ناهماهنگی در مواجهه با الزام حجاب در سطح حاکمیت) و D11 (فضای باز سیاسی) را نام برد که در این ناحیه قرار گرفته‌اند.

متغیرهای وابسته که در پایین سمت راست نمودار قرار دارند، بیش‌تر به‌عنوان پیامدهای سیستم شناخته می‌شوند. این متغیرها تأثیرگذاری کمی دارند؛ اما به‌شدت تحت تأثیر متغیرهای تأثیرگذار و تنظیمی قرار می‌گیرند. مدیریت این متغیرها از طریق کنترل متغیرهای کلیدی می‌تواند به پایداری سیستم کمک کند.

درنهایت، **متغیرهای مستقل** که در پایین سمت چپ نمودار قرار دارند، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمی دارند و نقش محدودی در سیستم ایفا می‌کنند. این متغیرها معمولاً در سیستم‌های ناپایدار اولویت کم‌تری برای مدیریت دارند؛ اما در برخی شرایط خاص ممکن است بر پایداری سیستم تأثیرگذار باشند.

درمجموع، تحلیل این دسته‌بندی در سیستم‌های ناپایدار نشان می‌دهد که توجه ویژه به متغیرهای ریسک و تنظیمی و مدیریت آن‌ها می‌تواند ناپایداری سیستم را کاهش دهد. همچنین، شناسایی متغیرهای وابسته به‌عنوان پیامدها و متغیرهای تأثیرگذار به‌عنوان عوامل کلیدی، گامی اساسی در جهت سیاست‌گذاری مؤثر و کارآمد برای سیستم‌های پیچیده است.

جدول (۶): رتبه‌بندی متغیرها

Rank	Label	Direct Influence	Label	Direct Dependence	Label	Indirect Influence	Label	Indirect Dependence
1	dV	736	d9	789	dV	730	d9	794
2	d15	719	d1	771	d15	698	d1	775
3	d10	684	dV	736	d10	696	dV	691
4	d4	614	d17	631	d4	607	d17	639
5	d13	596	d12	614	d13	592	d14	592
6	d9	578	d4	578	d9	577	d4	582
7	d3	561	d8	561	D3	575	d12	579
8	d14	561	d14	561	d14	571	d11	540
9	d11	543	d11	543	d11	539	d8	539
10	d1	526	d19	526	d1	529	d18	538
11	d12	526	d18	508	d12	514	d2	511
12	d2	456	d13	491	d18	473	d13	508
13	d8	456	d2	473	D17	467	d19	504
14	d17	456	d16	473	D2	460	D16	472
15	d18	456	d15	456	D8	432	D3	455
16	d6	438	d3	438	d19	424	D15	422
17	d16	421	d5	421	D16	423	D5	388
18	d19	421	d10	315	D6	419	D10	359
19	D5	245	d6	۴۰۵	D5	268	D6	104

جدول ارائه شده نشان‌دهنده رتبه‌بندی متغیرها در تحلیل میک‌مک بر اساس چهار معیار اصلی شامل تأثیرگذاری مستقیم، تأثیرپذیری مستقیم، تأثیرگذاری غیرمستقیم و تأثیرپذیری غیرمستقیم است. این معیارها به شناسایی متغیرهای کلیدی، وابسته، و واسطه‌ای در سیستم کمک می‌کنند و امکان ارائه راهبردهای مناسب برای مدیریت سیستم را فراهم می‌آورند.

بر اساس تأثیرگذاری مستقیم، متغیرهای D7 (رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی)، D10 (بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها) و D15 (ارزش‌های غربی و گفتمان حقوق زنان) بالاترین رتبه‌ها را دارند. این متغیرها به‌عنوان عوامل تأثیرگذار کلیدی شناخته می‌شوند و نقش مهمی در جهت‌دهی سیستم ایفا می‌کنند. تأثیرگذاری مستقیم این متغیرها نشان‌دهنده اهمیت آن‌ها در تغییرات سریع و مستقیم بر سایر عوامل سیستم است. از سوی دیگر، در بخش تأثیرپذیری مستقیم، متغیرهای D9 (اجرای قانون حجاب) و D1 (رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب) به‌عنوان متغیرهایی که بیش‌ترین

تأثیرپذیری را از سایر عوامل دارند، شناسایی شده‌اند. این متغیرها بیش‌تر به‌عنوان خروجی یا نتایج سیستم عمل می‌کنند و به‌شدت تحت‌تأثیر سیاست‌ها و اقدامات دیگر متغیرها قرار دارند.

تحلیل تأثیرگذاری غیرمستقیم نشان می‌دهد که متغیرهای D7 (تولیدات رسانه‌ای علیه حجاب، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها)، D10 (بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها و هنجارشکنان) و D15 ((جهانی‌شدن) ارزش‌های غربی: گفتمان حقوق زنان و فمینیسم، گفتمان آزادی، انتخاب حق پوشش، فردی بودن حجاب، گفتمان زیبایی‌شناختی و بدن‌مندی در جامعه) همچنان در صدر قرار دارند. این یافته بیانگر آن است که این متغیرها حتی از طریق واسطه‌ها نیز می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر سیستم بگذارند. درمقابل، تأثیرپذیری غیرمستقیم متغیرهایی مانند D9 (اجرای قانون جدید حجاب) و D1 (رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب) نشان‌دهنده آن است که این متغیرها نه‌تنها به‌صورت مستقیم بلکه به‌صورت غیرمستقیم نیز به‌شدت تحت‌تأثیر دیگر عوامل سیستم هستند. این متغیرها باید در سیاست‌گذاری‌ها به‌عنوان پیامدهای کلیدی موردتوجه قرار گیرند.

درمجموع، متغیرهای D7 (تولیدات رسانه‌ای علیه حجاب، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها)، D10 (بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها و هنجارشکنان) و D15 ((جهانی‌شدن) ارزش‌های غربی: گفتمان حقوق زنان و فمینیسم، گفتمان آزادی، انتخاب حق پوشش، فردی بودن حجاب، گفتمان زیبایی‌شناختی و بدن‌مندی در جامعه) به‌عنوان عوامل کلیدی سیستم شناسایی شده‌اند که باید مدیریت و نظارت ویژه‌ای بر آنها صورت گیرد. این متغیرها نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی کلی سیستم دارند و تغییرات در آنها می‌تواند اثرهای زنجیره‌ای قابل‌توجهی بر سایر متغیرها داشته باشد. همچنین، متغیرهای D9 (اجرای قانون جدید حجاب) و D1 (رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب) به‌عنوان متغیرهای وابسته باید به‌عنوان نتایج سیاست‌های کلان و راهبردی در نظر گرفته شوند و از طریق مدیریت متغیرهای کلیدی و واسطه‌ای کنترل شوند. متغیرهای واسطه‌ای مانند D4 (نظارت اجتماعی و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در حوزه حجاب) نیز نقش پل ارتباطی بین متغیرهای

تأثیرگذار و وابسته را ایفا می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان ابزارهای کلیدی در سیاست‌گذاری مؤثر استفاده شوند. این تحلیل نشان می‌دهد که تمرکز بر متغیرهای کلیدی و مدیریت تعاملات بین متغیرهای واسطه‌ای و وابسته می‌تواند به بهبود پایداری و کارآمدی سیستم منجر شود.

Classify variables according to their i

Rank	Variable	Variable
1	7 - d7	7 - d7
2	15 - d15	15 - d15
3	10 - d10	10 - d10
4	4 - d4	4 - d4
5	13 - d13	13 - d13
6	9 - d9	9 - d9
7	3 - d3	3 - d3
8	14 - d14	14 - d14
9	11 - d11	11 - d11
10	1 - d1	1 - d1
11	12 - d12	12 - d12
12	2 - d2	18 - d18
13	8 - d8	17 - d17
14	17 - d17	2 - d2
15	18 - d18	8 - d8
16	6 - d6	19 - d19
17	16 - d16	16 - d16
18	19 - d19	6 - d6
19	5 - d5	5 - d5

نمودار (۴): رتبه‌بندی اهمیت متغیرها از حیث تأثیرگذاری / تأثیرپذیری

این نمودار متغیرها را بر اساس اهمیت تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری طبقه‌بندی و رتبه‌بندی می‌کند. در این نمودار، دو ستون با لیست متغیرها به همراه رتبه آن‌ها وجود دارد و خطوط سبز و قرمز ارتباطات بین دو ستون را نشان می‌دهند: خطوط سبز: نشان‌دهنده هم‌راستایی یا همخوانی بین رتبه متغیرها در دو دسته (متغیرهایی که در هر دو ستون رتبه مشابه دارند یا نزدیک به هم هستند). خطوط قرمز: نشان‌دهنده تفاوت در رتبه‌بندی متغیرها در دو دسته است (به‌عبارتی،

متغیرهایی که در دو دسته دارای رتبه‌های متفاوتی هستند).

تحلیل نمودار: متغیرهای با رتبه هم‌راستا (خطوط سبز): متغیرهای d7 (تولیدات رسانه‌ای علیه حجاب، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها)، d15 ((جهانی‌شدن) ارزش‌های غربی: گفتمان حقوق زنان و فمینیسم، گفتمان آزادی، انتخاب حق پوشش، فردی بودن حجاب، گفتمان زیبایی‌شناختی و بدن‌مندی در جامعه)، d10 (بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها و هنجارشکنان) و d3 (فعالیت‌های تبلیغی و بسترسازی ناظر به حجاب) در هر دو دسته دارای رتبه مشابهی هستند. این مسئله نشان می‌دهد که این متغیرها هم به‌عنوان متغیرهای با تأثیرگذاری بالا و هم به‌عنوان متغیرهای با تأثیرپذیری بالا شناخته می‌شوند. این متغیرها احتمالاً نقاط کلیدی و حساس سیستم هستند که در هر دو جنبه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نقش مهمی ایفا می‌کنند.

متغیرهای با رتبه متفاوت (خطوط قرمز): برخی متغیرها مانند d12 (وضعیت آموزش و پرورش، آموزش عالی)، d2 (اختلاف و ناهماهنگی در مواجهه با الزام حجاب در سطح حاکمیت)، d18 (استفاده ابزاری از مسئله حجاب جهت دستیابی به اهداف سیاسی) و d16 (سبک زندگی غیرعقیدانه و دسترسی به پوشاک نامناسب) در دو دسته دارای رتبه‌های متفاوتی هستند. این تفاوت می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که این متغیرها به‌طور خاص در یک جنبه قوی‌تر عمل می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، یک متغیر ممکن است تأثیرگذاری بالایی داشته باشد؛ ولی تأثیرپذیری کمی از دیگر متغیرها داشته باشد یا برعکس.

متغیرهایی که با خطوط سبز مشخص شده‌اند، متغیرهای کلیدی سیستم محسوب می‌شوند که در هر دو زمینه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری رتبه بالایی دارند و نیاز به توجه ویژه دارند. متغیرهایی که با خطوط قرمز مرتبط شده‌اند، نیازمند تحلیل عمیق‌تری هستند تا مشخص شود که چرا در یک جنبه قوی‌تر عمل می‌کنند و در جنبه دیگر ضعیف‌تر هستند. این اطلاعات می‌تواند به شناخت دقیق‌تر ساختار و دینامیک سیستم کمک کند و در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و بهینه‌سازی سیستم مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

اهمیت پرداخت سیاست‌گذارانه به امر حجاب بر کسی پوشیده نیست و با توجه به حساسیت موضوع، تاکنون مطالعات متنوعی در این زمینه صورت گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی آینده‌پژوهانه این موضوع را دنبال کرده است. در این پژوهش، کوشیده شد تا با بررسی دقیق و جامع موضوع، به شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر امر حجاب و پوشش در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

پس از بررسی ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، مصاحبه‌های عمیق با خبرگان این حوزه انجام گرفت. این فرایند با برگزاری پنل خبرگان و بهره‌گیری از دانش تخصصی آن‌ها تکمیل شد. در ادامه، با طی دو مرحله خلاصه‌سازی و تلفیق اطلاعات، بیش از ۶۰ پیشران شناسایی شده اولیه به ۱۹ پیشران اصلی و مؤثر تقلیل یافت.

پس از تعیین این ۱۹ پیشران کلیدی، از نرم‌افزار میک‌مک برای تحلیل و بررسی روابط متقابل این پیشران‌ها استفاده شد. در این تحلیل، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم هر پیشران ارزیابی گردید و جایگاه آن‌ها در سیستم مشخص شد. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، متغیرهایی مانند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (D7)، ارزش‌های غربی (D15)، و بازنمایی رسانه‌ای برخورد با بی‌حجاب‌ها (D10) به‌عنوان متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار شناسایی شدند که نقش اساسی در جهت‌دهی کل سیستم ایفا می‌کنند. این متغیرها هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم تأثیرات گسترده‌ای بر سایر عوامل سیستم دارند و باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه ویژه قرار گیرند. همچنین، متغیرهایی نظیر اجرای قانون حجاب (D9) و رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب (D1) به‌عنوان متغیرهای وابسته شناسایی شدند. این متغیرها بیش‌تر به‌عنوان نتایج سیستم عمل می‌کنند و تحت‌تأثیر متغیرهای کلیدی و واسطه‌ای قرار دارند. متغیرهای واسطه‌ای مانند نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر (D4) نیز به‌عنوان پل ارتباطی بین متغیرهای تأثیرگذار و وابسته، نقش مهمی در پویایی سیستم ایفا می‌کنند.

نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد که سیستم مورد بررسی در وضعیت ناپایدار قرار دارد، به‌گونه‌ای که بسیاری از متغیرها در حالت بینابینی و دووجهی قرار دارند. این

مسئله حساسیت و پیچیدگی سیستم را افزایش می‌دهد و نیازمند مدیریت دقیق متغیرهای کلیدی و واسطه‌ای است. تمرکز بر متغیرهای تأثیرگذار مانند رسانه‌ها و ارزش‌های غربی و تقویت نقش متغیرهای تنظیمی مانند نظارت اجتماعی می‌تواند به بهبود پایداری سیستم کمک کند؛ البته این پژوهش نشان داد که مدیریت جامع و دقیق پیشران‌ها و استفاده از ابزارهایی مانند نرم‌افزار میک‌مک می‌تواند در شناسایی روابط پیچیده میان عوامل و ارائه راهبردهای مناسب در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار مؤثر باشد. در مقام بیان پیشنهادها و سیاست‌ها برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تقویت مدیریت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی: با توجه به شناسایی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (D7) به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی و تأثیرگذار، نیاز است سیاست‌گذاران برنامه‌های جامعی برای مدیریت محتوای رسانه‌ای، ترویج فرهنگ حجاب و ارائه الگوهای جذاب فرهنگی از طریق رسانه‌ها تدوین کنند. این اقدام می‌تواند تأثیر مثبت بر نگرش و رفتار جامعه داشته باشد.

برنامه‌ریزی برای کاهش نفوذ ارزش‌های غربی: ارزش‌های غربی و گفتمان حقوق زنان (D15) به‌عنوان یکی از متغیرهای ریسک شناسایی شده است. سیاست‌گذاران باید با ترویج گفتمان‌های بومی و فرهنگی متناسب با جامعه ایرانی، فضای گفتمانی جدیدی ایجاد کنند که با ارزش‌های ملی و دینی هماهنگی داشته باشد. این گفتمان باید از طریق آموزش، رسانه و برنامه‌های فرهنگی حمایت شود.

بازنگری در شیوه‌های اجرای قانون حجاب: اجرای قانون حجاب (D9) به‌عنوان یک متغیر وابسته نشان داد که این متغیر به‌شدت تحت تأثیر سایر عوامل است. سیاست‌گذاران باید به‌جای تمرکز صرف بر اجبار و محدودیت، به‌سمت رویکردهای ایجابی و مشارکتی حرکت کنند و اجرای قانون حجاب را با برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغاتی تکمیل کنند. همچنین وابستگی این متغیر به متغیرهای بالا نشان‌دهنده آن است که در صورتی می‌توان از این ظرفیت استفاده کرد که ابتدا در متغیرهای اثرگذار مداخله صورت گیرد و تغییر یابند.

ارتقای نظارت اجتماعی و تقویت امر به معروف و نهی از منکر: با توجه به اهمیت

نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر (D4) به عنوان یک متغیر واسطه‌ای، لازم است سیاست‌هایی برای تقویت نظارت اجتماعی طراحی شود. آموزش عمومی برای نهادینه کردن این مفاهیم در جامعه و ایجاد تعامل مثبت میان مردم و نهادهای اجتماعی می‌تواند تأثیر مثبتی بر پویایی سیستم داشته باشد.

ایجاد الگوهای مناسب در خانواده و آموزش و پرورش: با توجه به تأثیر متغیرهای وابسته مانند مرجعیت خانواده (D5) و وضعیت آموزش و پرورش و آموزش عالی (D12)، سیاست‌گذاران باید از طریق تقویت نقش خانواده و بازنگری در محتوای آموزشی، نگرش مثبت به حجاب را از سنین پایین در جامعه تقویت کنند. استفاده از الگوهای فرهنگی و مذهبی جذاب و مرتبط با نسل جوان می‌تواند در این راستا مؤثر باشد.

استفاده از فناوری‌های نوین برای ترویج فرهنگ حجاب: فناوری‌های نوین (D6) به عنوان یک متغیر تأثیرگذار می‌تواند ابزار قدرتمندی برای طراحی کارزارهای دیجیتال، تولید محتوای خلاقانه و ایجاد ارتباطات مؤثر با نسل جوان باشد. سرمایه‌گذاری در این حوزه و استفاده از روش‌های خلاقانه و تعاملی می‌تواند اثرگذاری فرهنگی بالایی داشته باشد.

کاهش تنش‌های اجتماعی از طریق ترویج رواداری: رواداری میان موافقان و مخالفان حجاب (D1) به عنوان یک متغیر حساس نیازمند توجه ویژه است. سیاست‌گذاران باید با طراحی برنامه‌هایی که فضای گفت‌وگو و تعامل سازنده میان گروه‌های مختلف جامعه را تقویت می‌کند، از تشدید اختلافات جلوگیری کرده و بستری برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فراهم کنند.

ترویج الگوهای فرهنگی و پوشش متناسب: برای مقابله با سبک زندگی غیرعقیدانه و دسترسی به پوشاک نامناسب (D16)، لازم است سیاست‌هایی برای حمایت از تولید و عرضه پوشاک متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی اتخاذ شود. ارائه طرح‌های جذاب و اقتصادی می‌تواند در این راستا مؤثر باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷). *جمهره اللغه*. جلد اول. بیروت: دارالعلم للملایین.
بدیعی، خسته فرد، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴). *اولویت‌بندی پیشوران‌های مدیریت ترویج حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی ایران؛ پژوهشی مبنی بر تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
بدیعی، خسته فرد، سیدمحمدحسین (۱۴۰۲). *مسئله حجاب: آینده پژوهی فرهنگی*. تهران: رواق اندیشه.

بصیرت‌منش، حمید (۱۳۷۶). *علما و رژیم رضاشاه*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
پارسا، طیبه (۱۳۸۰). *پوشش زن در گستره تاریخ*. قم: احسن الحدیث.
پاکتچی، احمد (۱۳۹۷). *مدخل «حجاب»*. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
پدرام، عبدالرحیم و جلالی‌وند، عباس (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی*. جلد اول. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی - مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
حمزه، عباس (۱۳۸۵). *حجاب در ادیان الهی*. قم: انتشارات یاقوت.
جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب*. تهران، ایران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
رحمانی، علی (۱۴۰۱). *آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱*. تهران: انجمن میراث اسلامی.

رمضانی، رضا (۱۳۸۶). *حجاب در ایران (بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی دوم تا پایان جنگ تحمیلی)*. *بانوان شیعه، بهار*، (۱۱)، ۲۵۱-۲۸۶.
زاهدانی، سعید و دشتی، عبدالله (۱۳۸۵). *گرایش دانشجویان به انواع حجاب*. *مطالعات اجتماعی ایران*، (۱)، ۱۰۱-۱۲۴.

زاهدی، زکیه (۱۳۹۰). *عوامل و پیامدهای بدحجابی*. *طهورا*، (۹)، ۱۳۱-۱۴۴.

- زائری، محمدرضا (۱۴۰۰). *حجاب و بی‌حجاب*. اصفهان: نشر آرما.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۹). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*. قم: دارالتقلین.
- عابدی، محمد (۱۳۹۰). سابقه مبارزه با حجاب تا دوران پهلوی اول. *مبلغان*، (۲۰)، ۷-۱۷.
- غنیات‌الله، سهیل (۱۳۸۸). *پرسش از آینده، آینده‌پژوهی به مثابه ابزار تحول سازمانی و اجتماعی*. ترجمه مسعود منزوی. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- غلامی، علی (۱۳۹۱). *مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *مصباح‌المنیر*. قم: مؤسسه دارالهجره.
- کلهر، سهیل (۱۳۹۶). *بازخوانی سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران درباره بی‌حجابی و بدحجابی*. اصفهان: نشر آرما.
- مرتضی، مطهری (۱۳۷۹). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- ملکی‌فر، عقیل (۱۳۸۵). *الفبای آینده‌پژوهی*. تهران: کرانه علم.
- نبی‌لو، عظیم‌اله (۱۴۰۳). *آینده مسئله حجاب در ایران با تجزیه و تحلیل روندها و پیش‌ران‌ها*. *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۱۷(۱۷)، ۷۱-۱۰۲.

References

- The Holy Qrr aan (In Persian).
- Abedi, M. (2011). The history of opposition to hijab up to the First Pahlavi era. *Moballighan*, (20), 7-17. (In Persian)
- Arcade, J., Godet, M., Meunier, F. & Roubelat, F. (2003). Structural Analysis with the MICMAC Method & Actors' Strategy with MACTOR Method. In J. Glenn (Ed.) , *Futures Research Methodology* (pp. 1-20). American Council for the United Nations University.
- Badie Khamseh-Fard, S. M. H. (2016). *Prioritizing the driving forces of hijab and chastity promotion management in the Islamic Republic of Iran: A study based on layered causal analysis (Master's thesis)*. Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Badie Khamseh-Fard, S. M. H. (2023). *The hijab issue: Cultural futures studies*. Tehran: Ravaq-e Andisheh. (In Persian)
- Basirat-Manesh, H. (1997). *The ulama and the Reza Shah regime*. Tehran: Orouj

- Printing and Publishing Institute. (In Persian)
- Bell, Wendell (2003). *Foundation of Futures Studies*. London: Transaction Publishers.
- Durance, P. & Godet, M. (2010). Scenario Building: Uses and Abuses. *Technological Forecasting and Social Change*, 77(9), 1488-1492.
- Enayat-Allah, S. (2009). *Questioning the future: Futures studies as a tool for organizational and social transformation* (M. Manzavi, Trans.). Tehran: Defense Science and Technology Futures Center. (In Persian)
- Fayyumi, Ahmad ibn Muhammad (n.d.). *Al-Misbah al-Munir*. Qom: Dar al-Hijrah Institute. (In Persian)
- Gholami, A. (2012). *The hijab issue in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Godet, M. (1986). Introduction to La Prospective: Seven Key Ideas and One Scenario Method. *Futures*, 18(2), 134-157.
- Hamza, Abbas (2006). *Hijab in divine religions*. qom: rubies.
- Ibn Durayd, Muhammad ibn al-Hasan (1987). *Jamharat al-lughah (Vol. 1)*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. (In Persian)
- Jafarian, R. (2004). *The story of hijab in Iran before the Revolution*. Tehran, Iran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
- Kalahar, S. (2017). *Re-reading the policies and actions of the Islamic Republic of Iran regarding unveiling and improper hijab*. Isfahan, Iran: Arma Publishing. (In Persian)
- Khomeini, R. (1999). *Sahifeh-ye Imam [Collected works]*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Islamic Texts. (In Persian)
- Maleki-Far, A. (2006). *The alphabet of futures studies*. Tehran: Karaneh-e Elm Publications. (In Persian)
- Motahhari, M. (2000). *Collected works*. Tehran: Sadra Publishing. (In Persian)
- Nabilu, A. E. (2024). The future of the hijab issue in Iran through trend and driving force analysis. *Islamic Revolution Futures Studies*, (17), 71-102. (In Persian)
- Pakatchi, A. (2018). *Hijab*. In *The Great Islamic Encyclopedia*. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. (In Persian)
- Parsa, T. (2001). *Women's covering throughout history*. Qom: Ahsan al-Hadith Publications. (In Persian)
- Pedram, A. & Jalali-Vand, A. (2013). *An introduction to futures studies (Vol. 1)*. Tehran: Defense Industries Education and Research Institute – Defense Science and Technology Futures Center. (In Persian)
- Rahmani, A. (2022). *Future-oriented analysis of the obligation of hijab toward the horizon of 2032*. Tehran: Islamic Heritage Association. (In Persian)
- Ramazani, R. (2007). Hijab in Iran (An examination of the status of hijab from the final years of the Second Pahlavi era to the end of the Iran–Iraq War). *Shi'i Women, Spring*, 11, 251–286. (In Persian)
- Voros, Joseph (2003). A generic foresight process framework. *Foresight*. 5(3), 10-21.
- Zaeri, M. R. (2021). *Hijab and non-hijab*. Isfahan, Iran: Arma Publishing. (In Persian)

- Persian)
- Zaheani, S. & Dashti, A. University students' tendencies toward different forms of hijab. *Iranian Social Studies*, (1), 101–124. (In Persian)
- Zahedi, Z. (2011). Causes and consequences of improper hijab. *Tahura*, (9), 131–144. (In Persian)
- Zibaei-Nezhad, M. R. & Sobhani, M. T. (2000). *An introduction to the system of women's personality in Islam*. Qom: Dar al-Thaqalayn. (In Persian)

